

نامہ
حضرت آیتہ اللہ سید محمد حسین طہرانی
بحضرت آیتہ اللہ العظمیٰ امام خمینی مدظلہ
راجح بہ پیش نویس قانون اساسی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ
انجمن اسلامی مسجد قائم
تهران - خیابان سعدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

مقام منبع زعيم عاليقدر سيد الفقها والمجاهدين آية الله العظمى امام خمينى متع الله المسلمين بطول بقائه را با اهداء ادعيه خالصه و تحيات وافره تصديع مي دهد:

به پيروي از او امر صادره راجع به لزوم مطالعه و دقت در پيش-
نويس قانون اساسي و اظهار نظر در مطويات آن معروض مي دارد: حقير
با كمال مداقه محتويات آنرا مورد بررسي قرار دادم و از نقطه نظر تطبيق
آن با فلسفه و فقه اسلام اشكالاتي چند به نظر آمد كه تذكر آن ضروري
است:

۱- فلسفه توحيدى اسلامى متخذ از آيات قران كرم و سنت نبوى
روح حكومت و ولايت بر مردم را منحصر به مبادى عاليه مي داند و عالمترين
و جامعترين و منزه ترين افراد را لايق اين مقام مي شناسد؛ در اين صورت
افراد امت به رهبرى چنين پيشوائى راستين كه هم داراي دلسى روشن
و آگاه و مغزى متفكر و عزمى راسخ و هم از خود گذشته و به كليت پيوسته

است، از بهترین مواهب الهیه استفاده نموده و تمام قوا و استعداد های ذاتی خود را بمنصهٔ ظهور و بروز می‌رسانند، و از شکوفاترین آزادی و استقلال و بهره‌مندی از جمیع غرائز طبیعی و ملکات روحی کامیاب می‌گردند .

در این فلسفه حکم و قانون و قضاء از بالا (یعنی از مقام توحید و طهارت که مقام وحدت و جامعیت ولیّ امر است) بیائین تدریجاً گسترش پیدا می‌کند؛ و تمام اقشار طبقات را فرا می‌گیرد؛

فَلَا وَرَيْكَ لَآيُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا .

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ
ولی در فلسفه های مادی؛ یا در قوانین غربی که از روح توحید اسلامی بهره ای ندارند؛ مراکز تصمیم‌گیری از کثرت شروع می‌شود؛ یعنی افکار و آوهام عامهٔ مردم گرچه در نهایت ضعف باشند؛ فقط به ملاک اکثریت حق تعیین سرنوشت و تصمیم‌گیری در امور (حاکمیت خود را دارند .

در این فلسفه ها حکومت بر اساس انتخاب بوده؛ و کیفیت آن به مشروطهٔ سلطنتی؛ یا به جمهوری؛ یا به بعضی از انحاء دیگر تقسیم می‌شود؛ بنا بر این جمهوری بدین طرز رأی‌گیری و انتخاب اکثریت قسیم و نظیر مشروطه از قالبهای غربی است؛ و با روح اسلام سازگار نیست .

حکومت و دولت اسلام بر پایهٔ خود متکی بوده و بر اصل اصیل حق اعتماد دارد؛ و هیچیک از این قالبها نمی‌توانند آن واقعیت را در خود بگیرند و بشکل خود درآوردند .

و در این وهلهٔ حساس و سرنوشت ساز که دقیقترین لحظات را می‌گذرانیم، باید بسیار متوجه باشیم که خدای ناکرده ناخود آگاه آن

اصالت‌های ارزشمند اسلامی را به گرایش‌های غربی نفروسیم؛ و بعلت
 آشباع مغزها از ره‌آورد‌های غرب و عدم انس به طرز تشکیل حکومت
 اسلامی به شکل واقعی خود، به سبب اعتماد به نظارهٔ نظام‌های سلطه-
 جویانهٔ استبداد و طاغوتی آن حقیقت را به خاک نسیان نسپاریم!

بزرگان ما در نهضت مشروطیت و گیر و دارها و کشمکش‌های طرفدا
 - ران استبداد و مشروطه دچار اشتباه شدند؛ دسته ای بعنوان آنکه
 مشروطه مردم ستم‌دیده را از زیر یوغ استبداد و ظلم امراء و حکام جائز
 می‌رهند؛ بدان گرویدند؛ و این نظام را با اصول آن پذیرفتند؛ و دست‌های
 دیگر بعنوان آنکه استبداد مردم را در هالهٔ دین حفظ می‌کند و از رخنه
 کردن آزادی‌های نامشروع و مغرب‌پسند جلوگیری می‌نماید؛ طرفدار آن
 شدند. و چون راه را منحصر در آن دو می‌دیدند؛ بر سر هم کوفتند. کسی
 نگفت هم مشروطه غلط است و هم استبداد، اسلام صحیح است و بس؛
 حکومت اسلام حکومت اسلام است. حکومت رسول الله است. نه يك حرف کم
 و نه يك حرف زیاد.

لذا دیده شد در این مدّت عمر مشروطیت که درخت آن باخونهای
 پاک رزمندگان راستین و پاک‌دلان راه عدل و آزادی آبیاری شد، چه ستم‌ها
 که نشد؛ و چه حکومت‌های استبدادی که نظیر آن در تاریخ بشریت کم
 است بر این ملت مسلّط نگشت؛ و چه ستم‌های جانگاز بعنوان نوش‌دارو
 در کام آنان فرو نریخت؛ و بنام توخالی عدالت اجتماعی و آزادی همگانی
 چه محرومیت‌ها از طبیعی‌ترین حقوق^۱ اولیّه نصیب نگشت؛ با آنکه در
 تدوین قانون اساسی آن، نهایت دقّت را در پیشگیری‌های موارد انحراف
 نمودند؛ و برای برآریکه نشانیدن قانون عدل و آزادی نهایت مراقبت را
 کردند. فقط علت اینهمه محرومیت‌ها آن بود که حکومت از محور اصلی

خود خارج شد، بعنوان مجلس شورای قانونگذاری کردند؛ قوای مقننه و قضائیه و مجریه از محط خود منحرف شد. این تجربه مشروطیت برای ما بس است. رسول الله فرمود: لَا يُلْدَعُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جِحْرِ مَرْتَبٍ .

در قرآن مجید، اطاعت را فقط منحصر به خدا و رسول خدا و اولی الامر می‌داند: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ . شوری در مقدمات کار برای روشنگری بیشتر است که « وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ » و یا آنکه « وَسَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ » لیکن تصمیم‌گیری اختصاص به خود رسول الله داشته است؛ نه موافقت رأی اکثریت. بدلیل ذیل آن که « فَأِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ » و در تمام موارد پیشنهادها و مشورتها صورت می‌گرفته لکن رأی نهائی انحصار به رسول خدا داشته است. و در زمان خلفا و ائمه طاهرین سیره و سنت چنین بوده است. اباحت فقیهیه وارد در ولایت فقیه، امر حکومت را منحصر به امام یا فقیه جامع الشرائط می‌داند. و در این مسئله احدی از علمای شیعه خلاف نکرده است. یعنی با وجود فقیه جامع الشرائط زمام حکومت مسلمین را بدست غیر فقیه سپردن خلاف اجماع است.

۲- اگر جمهوری اسلامی را با این اصول وارد در پیش‌نویس بپذیریم، تحقیقاً ثمرات انقلاب را ضایع و خون جوانان عزیز را به هد ر داده ایم. جوانان ما به ندای اسلام حرکت کردند؛ و برای برقراری حکومت اسلام قیام نمودند؛ و به امید تشکیل حکومت اسلامی و خارج شدن از هرگونه مظالم غریب جان دادند؛ و به پاسخ آن اعلامیه‌های انقلابی و تحریک آمیز امام که با جان آنها گفتگو می‌کرد؛ و حس ششم آنانرا بیدار می‌نمود؛ جان باختند؛ در اینصورت خونبهای آنان برقراری حکومت عدل و توحید اسلام است.

در این جمهوری اسلامی باید تمام ضوابط حکومت اسلام مراعات شود و نام جمهوریت چیزی بر محتوای دولت و حکومت نیافزاید و حقیقاً حاکمیت به فقیه عادل که بر اوضاع زمان آگاه و از مصالح ملت مسلمان اطلاع دارد؛ و نسبت به ملت ستم دیده حمیم و دلسوز است سپرده شود. رئیس جمهور که دارای شخصیت اول است، باید جامعترین و کاملترین و روشن بینترین و پارساترین افراد از فقهای اُمت باشد؛ و اوست که قوای سه گانه مقننه و قضائیه و مجریه در وجود او ادغام شده؛ و از او به مصادر اُمور و حکام ترشح می کند .

تفکیک مقام قناعت از ریاست جمهوری عملاً التزام به تفکیک روحانیت از سیاست است . در منطق اسلام حاکم شرع مطاع ریاست مطلقه بر اُمت دارد. سپردن ریاست جمهوری را به افرادی که دارای چنین مقامی نباشند، اعطاء قدرت بدست غیر واجدین این مقام است؛ و اشتباهاتی که صورت می گیرد از عدد بیرون و با هزار ضابطه و قانون این قدرت عنان گسیخته را نمی توان مهار نمود .

۳- انتخابات برای ریاست جمهوری باید بصورت تشکیل شورا- های اهل حلّ و عقد صورت گیرد. و چنین فقیه واجد شرایطی را با مشورت انتخاب کنند. و در این صورت مدت آن محدود به چهار سال (که آن نیز معیار غربی است) نخواهد بود بلکه تا هنگامیکه از مقام اُفقیت و اُعلمیت و اُورعیت و اُبصریت برخوردار است؛ باید در رأس ریاست جمهوری باقی بماند؛ و عزل او و نصب دیگری را در وقتیکه فاقد شرائط گردد یا از دنیا برود، باز بوسیله شوراهای اهل حلّ و عقد که خبرویت در فن داشته؛ و از مزایای کمال اخلاقی و عدالت برخوردارند صورت خواهد گرفت .

۴- «قانون اساسی اسلام قرآن و سنت است» و هرگونه تقنین قانونی به هراسم و عنوان در مقابل و کنار آن قرار خواهد گرفت و طبعاً در بین پیروان قرآن و این قانون تضادهائی بوجود خواهد آمد؛ و طرفداران آن دو دسته تقسیم می‌شوند. و ملت اسلامی در مقابل دولت اسلامی جبهه می‌گیرد. و این اتحاد و اتفاق و وحدت اهداف ملت و دولت و بهم آمیختگی این نیروی ژرف که از ثمرات اصیل انقلاب است، تبدیل به کدورت و حس بدبینی خواهد شد.

تنازل از قانون قرآنی بقانون اساسی، تنازل از واقعیت و پذیرش اساس اصلی در مقابل اسلام است. و این معنی با مکتب تعلیماتی یک فرد که از نیروی الهی تأیید می‌شود؛ و ملکات اسلامی خود را بر اساس فلسفه و توحید اسلامی کسب کرده است؛ قابل توجیه نیست.

بلی بعنوان اصول کلیهٔ اسلامی می‌توان احکامی را از قرآن و سنت اخذ نموده؛ مانند اصل مالکیت مشروع، یا اصل حرمت ربا، و سیستم بانکداریهای ربوی؛ و اصل حریت و آزادیهای مشروع، و اصل عدم جواز تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی؛ و امثال ذلك و آنرا بعنوان ضوابط کلیه که در تمام امور و شئون مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و انحصار بموردی ندارد، بعنوان اصول اسلامی تدوین نمود؛ همانند اصول فقه که فقها بعلت عمومیت و کلیت آن آنرا جدا، و دسته بندی نموده؛ و در مقدمه فقه قرار می‌دهند.

۵- مجلس شورا همانطور که از اسم آن پیدا است؛ و از قرآن مجید گرفته شده برای مشورت است؛ نه برای قانونگذاری. عنوان مجلس تقنینیه به آن دادن از اغلاط است. بزرگان ملت از هر طبقه و دسته بنا به انتخابات در مجلس شورا دور هم جمع می‌شوند؛ و مذاکرات

می‌کنید و نتیجهٔ آنرا در دست ولیّ امر که همان فقیه روشن ضمیر خارج از آزوکاری از هوا و هوس است قرار می‌دهند و او طبق مدارکی که از قرآن و سنّت در دست دارد و بصیرتی که در ادراک حقائق و تشخیص مصالح بدست آورده است و با مقتضیات زمان تطبیق می‌کند تصمیم می‌گیرد و حکم صادر می‌کند.

این موهبت الهی را که دقیقترین مراحل سعادت و کمال امت را در دست دارد، بدست افراد غیر فقیه سپردن و آنها را در قانو نگذاری اختیار دادن و سپس بوسیلهٔ شورای نگهبان کنترل نمودن بعینه مانند سپردن مقام تعلیم در کلاس درس است بدست یکی از شاگردان غیر وارد و سپس استاد کلاس را برای نگهبانی او گذاشتن. این طرز مشی مستقیم نیست؛ و مارتنهائی بیار می‌آورد.

۶- تشکیل جمهوری اسلامی برای اجراء احکام اسلام است؛ بنابراین در قانون اساسی باید این معنی به صراحت ذکر گردد؛ و اصلی بر آن بدین مضمون اضافه نمود.

۷- مذهب جعفری اسمی در مقابل دین اسلام نیست؛ بلکه چون مذهب از مادهٔ ذهاب آمده؛ بمعنای روش است. یعنی همچنانکه برای بهره‌گیری از آئین مقدّس اسلام روشهای گوناگونی بمیان آمده است؛ مذهب تشیع که نام آنرا رسول خدا نهاده؛ و پیروان آنرا از فائزین خوانده است؛ روش صحیح را برای بهره‌گیری از حقائق اسلام اتخاذ نموده است. پس تشیع دین اسلام است. و مکتب جعفری همان کتاب و سنّت است. لیکن باید بدان لفظ اثنی‌عشری را اضافه نمود تا از پیروان مکتب هائی مانند اسماعیلیّه و واقفیه که جعفری هستند؛ ولیکن سلسلهٔ ولایت و امامت را به دوازده امام منتهی نمی‌دانند؛ مشخص گردد.

اینک بمتصحیح فقراتی از پیش‌نویس اصول قانون اساسی میپردازیم :

در اصل (۱) وارد شده است که «نوع حکومت ایران جمهوری اسلامی است» باید بدین طریق تصحیح گردد که: نوع حکومت ایران حکومت اسلام یا دولت اسلام است که به دست اولوالأمر که افضل وأعلم و أبصر است اداره می‌شود و عنوان جمهوریت برای دخالت تمام افراد در تشکیل چنین حکومتی است .

در اصل (۲) وارد شده است که «نظام جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی بر پایه فرهنگ اصیل و پویا و انقلابی اسلام» باید اضافه گردد که: بر اساس روزه و نماز و حج و زکوة و ولایت بنا شده است
بِنَبِيِّ الْإِسْلَامِ عَلَى الْخَمْسِ

اصل (۳) را بدین مضمون باید تصحیح نمود: طبق آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» حکومت اسلامی باید بدست جامعترین و کاملترین افراد امت قرار گیرد و برای شناخت چنین فردی باید از راه نحص و شوری طبق دستور قرآن که «وَسَأَوْرَهُمْ فِي الْأَمْرِ» و «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» از شوراهای منتخب از اهل حلّ و عقد استفاده نمود .

در اصل (۴) «جمهوری اسلامی ایران در استقرار جامعه توحیدی معنویّت و اخلاق اسلامی را مبنای روابط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی قرار می‌دهد» باید احکام اسلامی را نیز اضافه نمود .

در اصل (۵) «در جمهوری اسلامی ایران همه اقوام از قبیل فارس، ترک، کرد، بلوچ، ترکمن، و نظائر اینها از حقوق کاملاً مساوی برخوردارند و هیچکس را بر دیگری امتیازی نیست مگر بر اساس تقوی» بعد از کلمه «اقوام باید لفظ مسلمان را اضافه نمود» چون اهل ذمه که در حکومت اسلام از حقوق مساوی خود برخوردارند دارای احکام و قوانین خاصی

هستند .

در اصل (۶) باید لفظ آزادی عقیده، بیان، قلم و آزادیهای مشروع دیگر را بدین عبارت تصحیح نمود: آزادی مشروع عقیده، بیان قلم و سایر آزادیهای دیگر را .

اصل (۷) را باید بدین عبارت تصحیح نمود: جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعهٔ بشری را آرمان خود می‌داند و رسیدن به اسلام و آزادی مشروع و حکومت حق و عدل را حق همهٔ مردم جهان می‌شناسد و بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت سلطه‌جویانه در امور داخل ملت‌های دیگر از مبارزه حق طلبانهٔ مستضعفین برای هدایت آنها به اسلام بر علیه مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند .

در اصل (۸) به صنعت و کشاورزی باید بهداشت را اضافه نمود .

در اصل (۱۰) باید بدنبال آموزش لفظ مفید را اضافه کرد .

در اصل (۱۱) اُصل تعیین مهریهٔ إلغاء شده است؛ و اشکالات دیگر

نیز وجود دارد که باید بدین عبارت تصحیح گردد: خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی ایران محسوب می‌گردد و بحکم الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مدیترعامل و ریاست خانواده با مرد بوده و قوانین باید اسباب پایداری ازدواج را برپایهٔ توافق در عقیده و محترم شمردن حقوق یکدیگر با ملاحظهٔ این اصل فراهم آورد .

اصل (۱۲) باید بدین عبارت تصحیح شود: از آنجائیکه تشکیل

خانواده بر اساس اشتراك مساعی زن و شوهر است قوانین خانواده باید

طبق موازین شرعیّه هر يك را ملزم به اداء حق دیگری بنماید .

در این فصل باید اصلی دیگر بنام اصل ۱۳ اضافه گردد:

اصل (۱۳) دولت اسلام طریق استفاده از سرمایه را فقط از راه مشارکت، یا مزارعه، یا مساقاه، یا مضاربه، یا اجاره، و امثال آنها میدانند و برای قرض و سرمایه تعقیب شده در ذمه هرگونه بهره‌ای را باطل می‌شناسد. و همچنین هرگونه معاملاتی که منجر به بهره‌کشی از پول گردد مانند معاملات ربوی را ناسد می‌شمارد.

در فصل دوم اصل ۱۳ باید بدنبال لفظ مذهب جمع‌فردی لفظ اثنی‌عشری را اضافه کرد.

در فصل سوم اصل (۱۵) بدین گونه تصحیح شود: حق حاکمیت ملی اختصاص به رهبران راستین و صادق دارد که دارای مقام علم و فقاہت و تقوی بوده و از هوای نفس گذشته و بمرتبه ولایت رسیده باشد و این رهبران را اولوالامر می‌گویند.

اصل (۱۶) باید بدین گونه تصحیح شود: قوا می‌ناشی از اعمال حاکمیت عبارتند از قوه مقننه و قوه قضائیه و قوه مجریه که پیوسته آنها در وجود اولوالامر و حاکم شرع ادغام شده؛ و قابل تفکیک نیستند. لیکن حاکم بنظر خود افرادی را برای مناصب قضاء و اجرای احکام منصوب می‌نماید.

اصل (۱۷) بدین طریق تصحیح شود: مجلس شورای ملی برای مشورت در مصالح و امور مملکتی است؛ و نتیجه مشورت را تحت نظر ریاست جمهور که حاکم شرع مطاع است قرار می‌دهند.

اصل (۱۸) بدین طریق تصحیح شود: اعمال قوه قضائیه بوسیله مجتهدین جامع الشرائط است که دادگاههای دادگستری را تشکیل داده؛ و رسیدگی به دعاوی و حلّ و فصل آنها نموده؛ و حفظ حقوق عمومی و اجرای عدالت اجتماعی را خواهند نمود.

اصل (۱۹) بدین گونه تصحیح شود: اعمال قوهٔ مجریه از طریق رئیس جمهور که حاکم شرع است و عمال او خواهد بود .

اصل (۲۶) بدینگونه تصحیح شود: تشکیل احزاب، جمعیتها وانجمن — های سیاسی و صنفی و ادیان رسمی آزاد است مشروط به آنکه اصول استقلال آزادی حاکمیت و وحدت ملی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند؛ شرکت افراد در این گروهها آزاد است و هیچکس را نمی‌توان از شرکت در گروههای سیاسی و اجتماعی و ادیان رسمی منع کرد یا به شرکت در یکی از این گروهها مجبور ساخت .

اصل (۳۵) بدینگونه تصحیح شود: موضوع اتهام با ذکر دلایل باسرع وقت بدستور حاکم شرع باید به متهم ابلاغ شود .
اصل (۳۹) احتیاج به تفسیر دارد .

در اصل (۴۱) باید کلمهٔ از بیت المال را بدنبال قیمت عادلانه افزود .
اصل (۴۶) بدینگونه تصحیح شود: منابع زیرزمینی و دریائی و معادن و جنگلها و بیشه ها و رودخانه ها و آبهای عمومی دیگر و اراضی موات و مراتع از انفال است و متعلق به امام بوده که باید در مصالح عمومی مصرف گردد .

با آنچه سابقا ذکر شد باید تمام اصول فصل ششم که قوهٔ مقننه است تصحیح شود؛ و باید تصریح کرد که فقط اجزاء مجلس شورای حق مشورت و مذاکره دارند نه قانون گذاری .

در فصل هفتم قوهٔ مجریه اصل (۷۵) باید بدنبال رئیس جمهور لفظ حاکم شرع مطاع را افزود .

اصل (۷۶) باید بدینگونه تصحیح شود: رئیس جمهور باید از مردان مسلمان، و شیعه، اثنی عشری، و فقیه عادل جامع الشرائط باشد .

اصل (۷۷) بکلی الغاء شود .

در فصل هشتم قوه قضائیه اصل (۱۲۶) باید بدینگونه تصحیح شود:
 محاکم دادگستری مرجع رسمی تظلمات عمومی است. این محاکم رافقهای
 جامع الشرائط تشکیل می‌دهند. و نیز هر مجتهد جامع الشرائطی در هر
 نقطه مرجع رسمی تظلمات است .
 با آنچه گفته شد تمام اصول فصل دهم که شورای نگهبان است
 زائد است .

اصل (۱۴۸) باید ملغی گردد زیرا با آنچه در کیفیت تدوین
 قانون اساسی و اصول متخذه از قرآن ذکر شد؛ تجدید نظر در اصول
 قانون اساسی معنی ندارد حَلَالٌ مَحْمَدٌ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ وَ حَرَامٌ
 مَحْمَدٌ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ .

در اصل (۱۵۰) در ممنوعیت بعضی از مقامات باید ذکر کرد که
 بنظر حاکم شرع باید این ممنوعیت صورت گیرد؛ و دیگر آنکه شرکت آنها
 در شرکت های خصوصی غیر انتفاعی مانند عضویت در هیئت مدیره
 صندوق قرض الحسنه بلامانع است .

اصل (۱۵۱) باید بدینگونه تصحیح شود: در رسانه های گروهی
 رادیو و تلویزیون که دولتی هستند آزادی انتشار اطلاعات باید تأمین
 شود. رسانه ها تحت نظارت وزارت امر بمعروف و نهی از منکر قرار گرفته
 و این وزارتخانه ترتیب عمل آنها را معین می‌کند .

يك اصل دیگر باید بدینگونه اضافه کرد: بملول وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ
 يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ
 الْمُفْلِحُونَ باید وزارتی بدین نام تشکیل گردد که در زیر نظر نخست وزیر
 جمهوری اسلامی بوده و در تمام شئون دولتی و ملی حق دخالت و نظر

را داشته باشد، و برای نشان دادن راه صحیح و باجرا در آوردن آن
دارای تشکیلات خاصی طبق ضوابطی است .

این مطالبی بود که عاجلاً بنظر رسید، وظیفهٔ الهیه خود دانستم که
بحضور آن رهبر رفیع القدر تقدیم دارم .

تأییدات ربانیه را برای آن عالم ربانی از ناحیهٔ مقام ولایت کلیه
حضرت حجة ابن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف
درخواست می‌نمایم

نسئل الله تعالی أنْ يُعَلِّقَ کَلِمَةَ الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالسَّلَامَ عَلَيْكُمْ
وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ

سید محمد حسین الحسینی الطهرانی

۲۸ رجب ۱۳۹۹ هجریهٔ قمریه

صورت کیفیت تشکیل بجه کمیته مختلف الاثر در انجمن اسلامی مسجد

قائم طهران در بدو انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلام :

۱- دعوت نامه ای که نزد مدعوین باقی میماند .

۲- پرسش نامه ای که پس از مطالعه و تکمیل به انجمن برده میگردند .



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا النُّصْرَةُ لِلْمُؤْمِنِينَ
انجمن اسلامی مسجد قائم
تهران - خیابان سعدی

اهالی محترم منطقه مسجد قائم خیابان سعدی شمالی تهران

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

از آنجائیکه انقلاب اسلامی ایران می بایست در جمیع نهادهای اجتماعی دگرگونیهای در
زمینه سازندگی پدید آورد ؛

و این سازندگی بدون دخالت و شرکت مردم در امور خود ، بدون داشتن سازمانهایی
متشکل از افراد هر محل امکان پذیر نیست ؛ و از آنجائیکه این سازمانها باید از طریق
مسجد هر محل که یگانه پایگاه الهی و معنوی و محل اجتماع مردم بر اساس صدق و
نیت پاک و صفای باطن است تحقق پذیرد ؛ بنا بر این مسجد قائم واقع در خیابان سعدی
شمالی اقدام به تشکیل انجمن اسلامی که در برگیرنده تمامی افراد محل باشد نموده ؛ و با
انتخاب هیئت راهنمایی و هیئت اجرایی در زیر نظر امام جماعت مسجد شروع بکار
نموده است .

وظیفه امام جماعت: اقامه نماز و بیان احکام و نظارت و تصحیح جهت اتخاذ تصمیمات و اجراء برنامه‌ها توسط هیئت راهنمایی و هیئت اجرایی محلی در راه بهداف رساندن حکومت عدل اسلامی و تجلی احکام اسلام در میان تمام طبقات و اقشار است.

وظیفه هیئت راهنمایی: شرکت در برنامه‌های مربوط به محله و مسجد بطور مستمر و مداوم و تهیه جواب و راهنمایی‌های لازم در هر موردیکه از طرف هیئت اجرایی پیشنهاد گردد و تشویق مردم بشرکت کردن در امور اجتماعی محل و سعی در فعال نمودن آنها و بعهدہ گرفتن کمیته‌های متشکلہ در سازمان است.

وظیفه هیئت اجرایی: با توجه بشرائط محل و امکانات، تشکیل کمیته‌های اجتماعی و فرهنگی و رفاهی است که برای رشد و تکامل معنوی و مادی افراد منظور شده است. کیفیت تشکیل کمیته‌ها را با بررسی برگ ضمیمه ملاحظه میفرمائید.



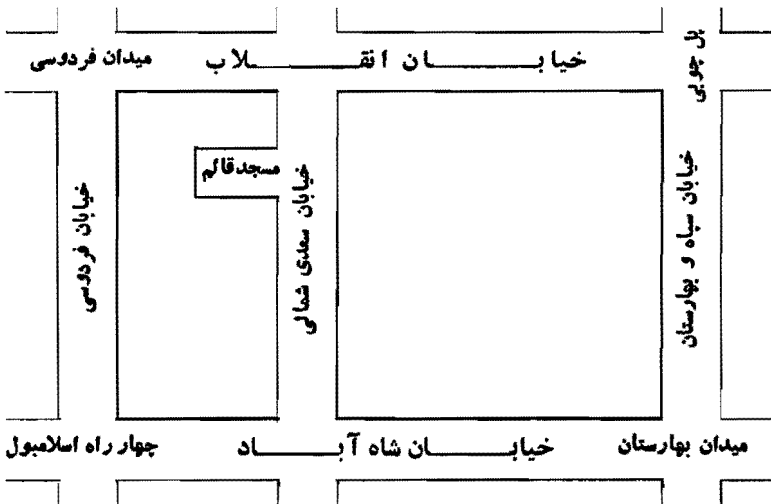
اکنون انجمن اسلامی در پی آنست که محلی را جهت فعالیت‌های انجمن در اختیار بگیرد و از اهالی محل چه مسلمان و چه اقلیت‌های محترم مذهبی در خواست می نماید که بدین منظور پرستی نامه ای را که بیبوست می باشد جواب داده و نیز فرزندان خود را تشویق نمایند، جهت همکاری بما مراجعه نموده و در کمیته‌های مورد علاقه خود ثبت نام نمایند و از شما متشکر خواهیم بود که نظریات خود را مرقوم فرموده و انتظار پیشنهادات شما را داریم و بالاخص در این هنگام که تعطیلات مدارس فرا میرسد امید است بتوانیم آموزشهای لازم را در مورد فرزندان شما انجام دهیم.

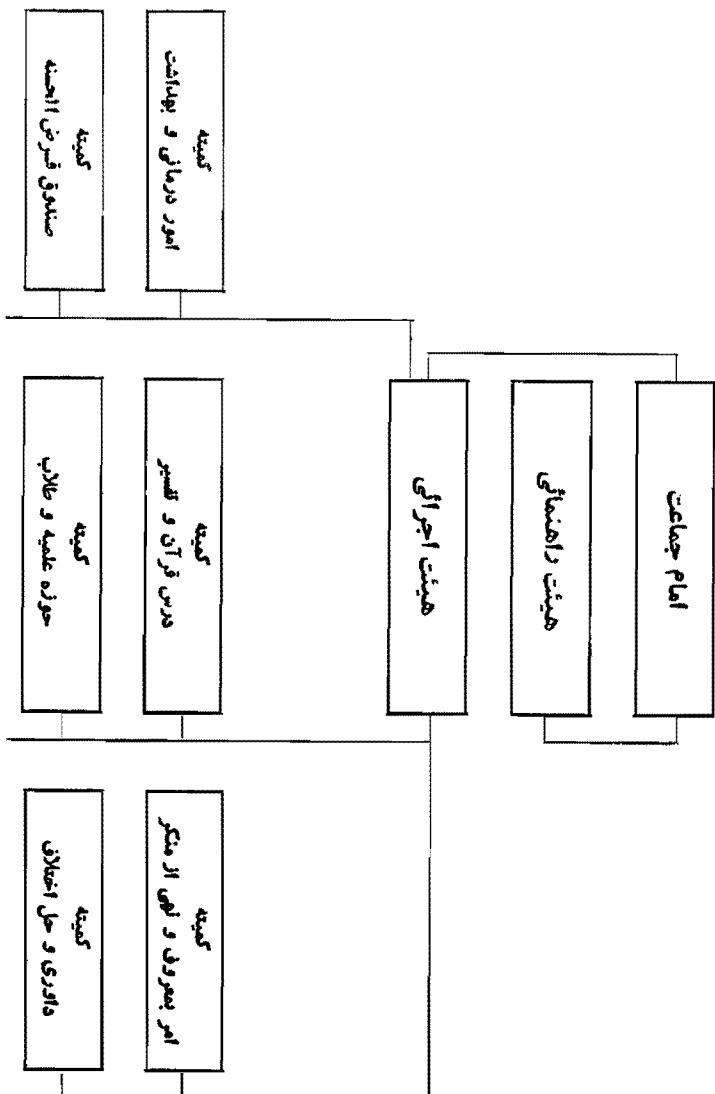
باشد که این قدمی در راه ترقی و تعالی مکتب اسلام و در راه بهداف رسیدن انظار عالیہ قائد خردمند و زعیم عالیقدر حضرت آیه الله العظمی نایب الامام خمینی دامت برکاته بوده و شکافی که در این قرن بین ما مسلمانان ایجاد گردیده با دوستی و تفاهم و همکاری شما مردمان اصیل و دور اندیش از بین برود و با لطف پروردگار دلها بهم نزدیک، دست

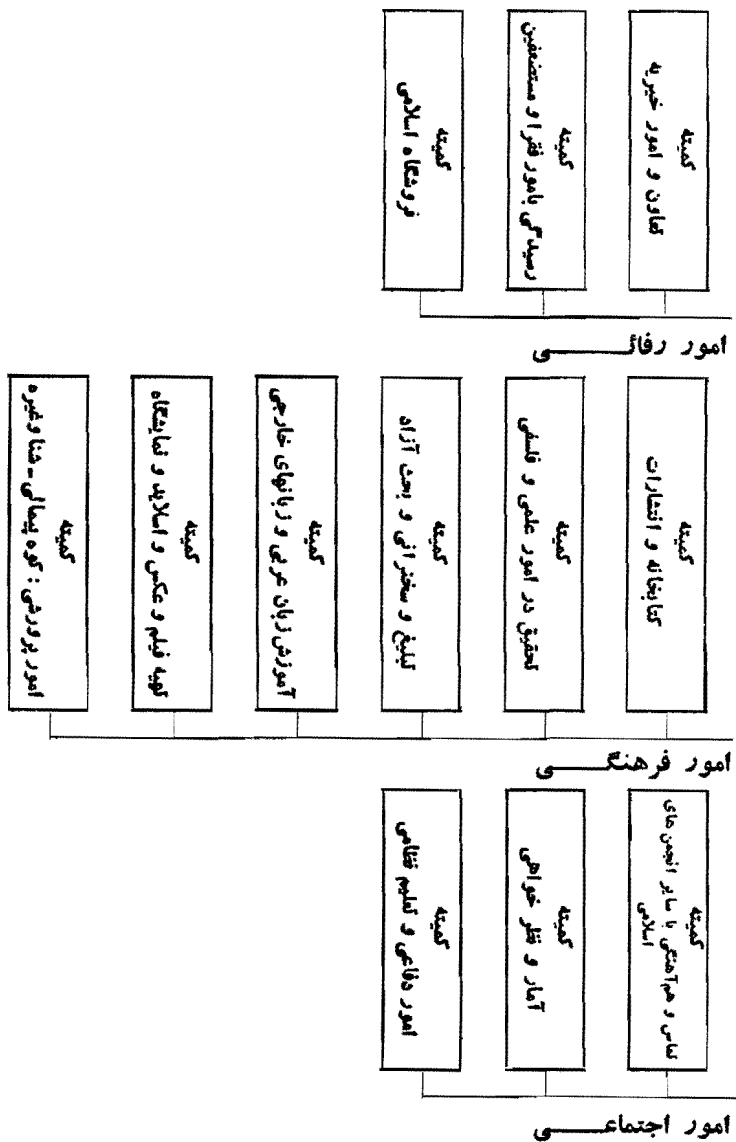
در دست هم ، و همه با هم در راه رضای خداوند متعال در پرتو توجهات امام زمان
عجل الله تعالی فرجه الشریف ، گام برداریم .

انجمن اسلامی مسجد قائم تهران

منطقه فعالیت های انجمن اسلامی مسجد قائم از شمال بخایان انقلاب و از جنوب بخایان شاه آباد
و از شرق بخایان سپاه و بهارستان و از غرب بخایان فردوسی شمالی محدود می باشد .







بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الْمَوْتِیْنَ
اَلْحَبْشَیْ سَلَامِیْ سَجْدَ تَقَامُ
تهران - خیابان سعیدی

پرستشنامه

نام خانوادگی تاریخ تولد شناسنامه و محل صدور سن

متاهل مجرد

آخرین مدرک تحصیلی رشته تحصیلی اشتغال کنونی

تلفن منزل و محل کار } نشانی منزل و محل کار }

اسلامی
مسیحی
یهودی
زرتشتی

دین

مهریکه از اعضای خانواده شما که علاقمند بشنکت در یکی از کمیته های مورد نظر هستند (صورت آن در ظهر این ورقه میباشند) لطفاً ضمن اعلام آمادگی اسمی آنها در ذیل مرقوم فرمائید .

ردیف	نام و نام خانوادگی	تاریخ تولد	میزان تحصیلات	نمط	کمیته مورد علاقه
۱					
۲					
۳					
۴					
۵					
۶					
۷					

ضمناً با کدام یک از اهداکنان ما ، همکاری می‌نمایید :

- در قرآن □ تحقیق و تبلیغ □ تأثر □ نقاشی □ حکاکی □ خطاطی □ رسمی □ طرح و کار با کامپیوتر □ روزنامه نگاری □
 تحقیق در متون دینی □ نویسندگی □ مطالعه و ترجمه متن‌های خارجی □ فن بیان □ فعالیت‌های فنی □ تحقیق در
 متون فلسفی □ آبا و اجداد عربی تسلط دارید ؟ □ بکدام یک از زبان‌های خارجی تسلط دارید ؟ □ انگلیسی □
 آلمانی □ روسی □ فرانسه □ ایتالیایی □
 دانشه این متخصصان را فرمایید چه مدت است که در تهران زندگی می‌کنید
 اوقاتیکه می‌توانید در هفته در اختیار انجمن اسلامی مسجد قائم بگذارید
 نظریات و پیشنهادها :